

# سرچشمه‌های اندیشه بهمن یا صادر اول شیخ اشراق

نادیا مفتونی<sup>۱</sup>، مرتضی درودی جوان<sup>۲</sup>

## چکیده

آراء شیخ اشراق را در اندیشه‌های ایران باستان میتوان جست. یکی از این آراء، اعتقاد به بهمن یا صادر اول است. نوشتار حاضر با روش تحلیل محتوا، در پی احصاء و تحلیل میزان آثار مستقیم و غیرمستقیم بهمن که در باور مزدیسنان برترین فروزه اهورامزدا بشمار میرود، در آثار شیخ اشراق است. پس از استقراء ویژگیهای عمومی و اختصاصی بهمن با رجوع به منابع مزدایی همچون *اوستا* و *بندهش*، به جستجوی این ویژگیها در آثار سهروردی پرداختیم. با کاوش در تمامی آثار شیخ اشراق، همه مواردی را که ضمن آنها بصراحت از امشاسپند بهمن یاد شده و نیز تمامی مواردی که ویژگیهای عمومی و اختصاصی آن را دربردارند، استخراج و شمارش کردیم و پس از محاسبه میزان فراوانی و بسامد ویژگیها و نشانه‌های موجود، به تحلیل محتوایی و مفهومی آنها پرداختیم. در این پژوهش، نتایجی همچون مشخص شدن تعداد اشارات مستقیم به امشاسپند بهمن، ذکر بهمن بعنوان صادر اول یا عقل اول و سرسلسله عقول طولی برخلاف سایر امشاسپندان با نظر به کارکرد رب‌النوعی آنها، اجتماع قویترین نشانه‌های حضور بهمن در متون فارسی و در ضمن یادکرد از قهرمانان اساطیری ایرانی و موارد دیگر بدست آمد. در این میان، بیشترین بسامد در بین

۷

۱. دانشیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛ [nadia.maftouni@ut.ac.ir](mailto:nadia.maftouni@ut.ac.ir)

۲. دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی، مدرس دانشگاه فرهنگیان، مرکز شهید

باهنر تهران؛ [md.javan@ut.ac.ir](mailto:md.javan@ut.ac.ir)

تاریخ تأیید: ۹۷/۱۰/۴

تاریخ دریافت: ۹۷/۷/۱۷



خصوصیات عمومی و اختصاصی بهمن یا صادر اول به ویژگی پیوند با سایر امشاسپندان مربوط است؛ زیرا همه نشانه‌های امشاسپند بهمن از این خصوصیت برخوردارند. نتیجه این خصوصیت، همراهی همه نشانه‌های امشاسپند با یکدیگر و نیز سامان‌مندی در بین آنهاست که این یافته خود دلیلی بر تأیید مسئله محوری این تحقیق مبنی بر توجه ویژه به معانی و کارکردهای امشاسپندان بنظر میرسد.

**کلیدواژه‌ها:** سهروردی، امشاسپندان، بهمن، عقل اول، صادر اول

\* \* \*

#### مقدمه

بهره‌گیری و تأثیرپذیری شیخ اشراق از اندیشه‌های فلسفی ایران باستان، امری بسیار آشکار و مورد تأیید عموم صاحب‌نظران است. هانری کربن سه ویژگی اساسی را برای نظریه اشراقی برمیشمارد که عبارتند از: ۱) برقرار کردن پیوند با حکمت الهی ایران باستان؛ ۲) تلفیق شناخت نظری و عرفانی در شاهراه حکمت که لازمه احیای اندیشه الهی نور است؛ ۳) دستیابی به شناختی که فقط شناخت نظری نبوده، بلکه اشراق بشمار میرود.<sup>(۱)</sup>

در هر سه ویژگی ذکر شده بهره‌گیری این فلسفه از مبانی و مفاد حکمت خسروانی یا همان فلسفه نور و ظلمت در تعبیر هانری کربن، مورد تأکید و تأیید قرار گرفته است. تمایل به تفکر باستانی ایرانیان و اخذ حکمت از آن سامانه امری است که در جهت تداوم رشد و پیشرفت حکمت اسلامی و در مسیر مثبت سیر تطور آن شایان توجه و قابل تحلیل است.<sup>(۲)</sup> آنچه مؤید این امر محسوب میشود، تصریحاتی است که در جای‌جای آثار سهروردی بچشم میخورد و نه به زبان رمز و اشاره، بلکه چنان آشکار است که حتی از نظر هیچ خواننده غیرمتخصصی نیز پنهان نمیماند. اشارات صریح به نام فرزندگان ایران باستان مانند زرتشت، جاماسب و فرشاوشر، ذکر نام پادشاهان اساطیری ایران باستان همچون کیومرث، کیخسرو، فریدون و ...<sup>(۳)</sup> و بالأخره ذکر برخی از اصطلاحات باور مزدیسنا از جمله ذکر نام

تمامی امشاسپندان و برخی از ایزدان<sup>(۴)</sup>، اشاره به بعضی از باورهای باستانی ایران مانند بزرگ داشتن «هورخش» یا همان خورشید و بتعبیر سهروردی نیر اعظم<sup>(۵)</sup>، ذکر «خوره کیانی»<sup>(۶)</sup> و نشانه‌های فراوان دیگر همه حاکی از تأثر ژرف این حکیم ایرانی مسلمان از حکمت خسروانی و نیز تعلق خاطر وی به این شیوه اندیشه‌ورزی است؛ چنانکه خود وی نیز چندین بار به این تأثر و تعلق خاطر اشاره کرده است.<sup>(۷)</sup>

شواهد فوق به این مهم دلالت میکند که تشخیص ما درباره فلسفه سهروردی بعنوان نزدیکترین مکتب فلسفی ایران پس از اسلام به فرزاندگی و نهان‌گرایی ایران باستان تشخیصی درست بوده است. بر همین اساس جستجوی الفاظ، معانی و کارکردهای امشاسپندان، بعنوان مهمترین بُعد حکمی و فرزاندگی ایران عهد باستان، در آثار سهروردی، امری دور از ذهن و به دور از رأی صواب بنظر نمیرسد. در این جستار خواهیم کوشید که اشارات و نشانه‌هایی قطعی یا محتمل از حضور و تأثیر یکی از برترین اعضای این مجموعه یعنی بهمن یا صادر نخست را در آثار و افکار شیخ اشراق جستجو کنیم.

### امشاسپندان

یکی از بنیادهای فرهنگ و اندیشه در ایران باستان موضوع امشاسپندان است. بهمن یا صادر اول مهمترین و برترین امشاسپندان است. از اینرو مروری بر امشاسپندان خواهیم داشت. واژه امشاسپندان بمعنی موجودات جاودانه مقدس است که به شش یا هفت صفت مهم اهورامزدا اطلاق میشود. دلیل اینکه عدد این صفات یا آفریدگان مقدس را گاه هفت و گاه شش مورد شمرده‌اند، این است که نخستین و برترین امشاسپند که «سپنته‌مینو» یا «سپندمینو» (اوستایی: *spenta mainyu*؛ فارسی میانه: *spenāg mānōg*) نام دارد، بسبب والایی و تقدس بسیار فاقد هر گونه نمود بیرونی و غیرمینوی بوده و تنها چونان خردی پاک و اهورایی متعلق به شخص خداوند دانسته شده است که واسطه و پیوندی پاک و پنهان میان ذات خداوند با جهان آفرینش محسوب میشود و بدلیل عدم نمود بیرونی در تفسیرهای متأخر گاه با ذات خداوند و گاه با امشاسپند بهمن یکی شمرده شده و گاه نیز از این مجموعه حذف شده است.<sup>(۸)</sup>

۹



اما پس از سپند مینو، شش صفتی که در نگاه باور مزدایی بزرگ‌ترین، برجسته‌ترین و کارآمدترین صفات خداوند محسوب میشوند عبارتند از: بهمن (اوستایی: vohu manah؛ فارسی میانه: wahman)، بمعنی اندیشه نیک؛ آردیهشت (اوستایی: aša vahišta؛ فارسی میانه: ardwhišt)، بمعنی برترین پاکی و راستی؛ شهریور (اوستایی: xšaθra vairya؛ فارسی میانه: šahrēwar)، بمعنی شهریاری آرمانی؛ اسفند (اوستایی: spəntā ārmaiti؛ فارسی میانه: spandarmad)، بمعنی آرامش مقدس؛ خرداد (اوستایی: haurvatāt؛ فارسی میانه: hordād)، بمعنی کمال و سرانجام آمد (اوستایی: amərətāt؛ فارسی میانه: amurdād)، بمعنی جاودانگی.<sup>(۹)</sup>

در این نوشتار حضور بهمن، برترین عضو از مجموعه امشاسپندان ششگانه در متون مورد نظر را در دو حوزه مطالعه میکنیم: نخست، حضور بهمن در قالب اشاره یا اشارات صریح و مستقیم که عمدتاً با ذکر نام آن همراه است و دوم نشانه‌های غیرمستقیم که مراد از آن، حضور معانی و کارکردهای این امشاسپند بدون ذکر نام آن است که میتواند تقویت‌کننده احتمال تأثیرپذیری متن از اندیشه امشاسپندان باشد. به بیان دیگر، در آثار حکیم سهروردی، نخست درصدد یافتن یادکردها و اشارات مستقیم مربوط به امشاسپند بهمن برخوایم آمد و سپس به احصاء موضعی از متن خواهیم پرداخت که در آنها ویژگیهای عمومی امشاسپندان و نیز اختصاصات امشاسپند بهمن بگونه‌ی آشکار و معنی‌دار آمده است.

خواهیم دید که تعداد پنج ویژگی به عموم امشاسپندان تعلق دارد و نیز هر یک از امشاسپندان و از جمله بهمن نیز دارای ویژگیهای اختصاصی هستند. هر یک از مواضع موجود در متن را - که دربردارنده تمامی ویژگیهای عمومی امشاسپندان و دست‌کم یکی از ویژگیهای بهمن و یا دارای ارزشی معادل با این مجموعه باشد - یک نشانه تلقی خواهیم نمود که نه حاکی از حضور و تأثیر قطعی این امشاسپند، بلکه گویای احتمال حضور یا تأثیرپذیری از این اندیشه بشمار میرود.

اما قبل از بررسی نشانه‌ها نگاهی دقیقتر به معانی لغوی و اصطلاحی بهمن و سیر تطور تاریخی آن خواهیم افکند. واژه بهمن (اوستایی: vohu manah؛ فارسی میانه: wahman)، از دو پاره «وهُو» بمعنی نیک و «مَنَه» بمعنی اندیشه ساخته شده است و بنابراین بمعنی «اندیشه نیک» است و هم میتوان آن را «نیک‌اندیش» یعنی



دارنده اندیشه نیک دانست و براساس آموزه‌های اوستایی دیوی به نام «اکومن» بمعنی اندیشه بد، دشمن همیشگی این امشاسپند و هم‌نبرد جاودانه اوست.<sup>(۱۰)</sup> اگرچه از امشاسپندان ششگانه و از جمله از برترین آنها در طی سرودهای گاهانی نامبرده شده است، اما استعمال واژه «امشاسپند» و «امشاسپندان» در گاتاهای منسوب به پیامبر یافت نمیشود و برای اولین بار در گاهان هفت فصل یا هپتنگ‌هائیتی بکار رفته است.<sup>(۱۱)</sup> این عنوان در هفتن‌یشت یا هپتنگ‌هائیتی<sup>(۱۲)</sup> آمده است؛ اما پس از آن، در اوستای متأخر بطور گسترده و فراوان بچشم میخورد.

در میان صاحب‌نظران حوزه اوستاشناسی بیشترین تأکید بر انتزاعی بودن امشاسپندان در آموزه‌های نخست زرتشت از آن زبان‌شناس و اوستاشناس بزرگ آلمانی «مارتین هاگ» است. «وی ظاهراً نخستین کسی است که اظهار داشت امشاسپندان چیزی نیستند جز نامها و تصورات انتزاعی.<sup>(۱۳)</sup> این نظریه تأثیر شگرفی بر باور رایج درباره سیر تطور مفهوم امشاسپندان و بطور خاص امشاسپند بهمن بر جای نهاده است. این امر گویای آن است که هرچه از متن گاهان فاصله میگیریم و به دوره‌های جدید نزدیکتر میشویم، تحول و تغییر تدریجی امشاسپندان را از صورت کاملاً انتزاعی و ذهنی به شکل موجوداتی عینی و انضمامی مشاهده میکنیم.

هنگامی که امشاسپندان و از جمله بهمن را در متن گاهان زرتشت مورد بررسی و مطالعه قرار دهیم، خواهیم دید که این امور در اغلب موارد بعنوان مفاهیمی انتزاعی قابل فهم و تحلیلند که عموماً مبین برترین صفات خداوند و یا برترین معانی و مفاهیم ایمانی تلقی میگردند؛ چنانکه بر اساس متن آموزه‌های گاهانی همه آدمیان با فروزه و توانایی منش نیک یا وهومن پدید آمده‌اند و وهومن بازتابی از وهیشته منه یا خرد جهانی است<sup>(۱۴)</sup>. اما میتوان در اوستای کهن از موضوعی نیز سراغ گرفت که معانی و کارکردهایی عینی‌تر و انضمامی‌تر از امشاسپندان و بویژه بهمن قابل برداشت و استنباط است. اگر به چند و چون کاربرد دو واژه وهومنه و وهیشته منه در متن گاتاها بنگریم، خواهیم دید که «در ۱۲۹ بند از سروده‌های گاهان (که جمعاً ۲۳۸ بند است) درباره ارزش نیک‌اندیشی و تأثیر آن در رسیدن بشر به خوشبختی آرمانی سخن رفته است و این دو واژه تقریباً ۱۳۰ بار در گاتاها تکرار شده‌اند<sup>(۱۵)</sup> که اگرچه

۱۱



کاربردهای حاکی از معانی صرفاً انتزاعی در آن متن غلبه دارد، اما بعضاً معانی متفاوت با آن نیز یکسره دور از دسترس نیست.

در بخشهایی از گاتاها که متضمن اشاراتی به امشاسپند بهمن است، چنین آمده است:

ای مزدا، ای اهوراییان، آنگاه که خواست ما را پاسخگو باشید، آرزو خواهم کرد که در پرتو راستی و فروتنی و آرامش و خرد نیک و شهریاری مینوی، نیرومندی از آن ما شود تا با افزایش آن بر دروغ چیرگی یابیم.<sup>(۱۶)</sup>

ای مزدا، واپسین آماج مرا به من بشناسان تا با وهومنه بدان روی آورم و چون تویی را نیایش بگزارم.<sup>(۱۷)</sup>

ای مزدا اهوره، ای تواناترین، ای آرمیتی، ای اشای گیتی افزای، ای منش نیک، ای شهریار مینوی، به من گوش فرا دهید و آنگاه که پاداش هر کسی را می‌بخشید بر من بخشایش آورید.<sup>(۱۸)</sup>

با توجه به نمونه‌های ذکر شده میتوان دریافت که حضور امشاسپندان در سخنان زرتشت لزوماً پیرو الگویی ویژه نیست. گاه میتوان آنها را موجوداتی جدا از ذات اهوره‌مزدا در نظر گرفت که برترین آفریدگان او و همچون ایزدان یا فرشتگانی پاک و بزرگوار هستند؛ اما در بیشتر مواضع و موارد تنها میتوان آنها را صفاتی برای ذات خداوند تلقی نمود.

از گاتاهاى منسوب به زرتشت که گامی فراتر مینهیم، به هفت هاتی برمخوریم که اگرچه از آن زرتشت نیست، اما هم بلحاظ لفظ و هم بلحاظ معنی بسیار نزدیک به گاهان است؛ بطوری که بخشی از متون گاهانی شمرده میشود. شاگردان پیامبر و باورمندان به دیانت وی در این سروده‌ها نخستین بار از امشاسپندان بعنوان یک گروه از مقدسان نام برده و به شمار و نامهای آنان نیز اشاره میکنند و این نخستین گام در فرایند تعریف و تبیین فرشتگان و مقدسان در الهیات مزدایی بشمار میرود<sup>(۱۹)</sup>

۱۲ که ضمن آن، بهمن نزدیکترین امشاسپندان به خداوند و برترین آن مقدسان بی‌مرگ دانسته و خوانده شده است.

اما از گاتاها و هفت‌هات که بگذریم، در اوستای جوانتر امشاسپندان را نه فقط فرشتگان و ایزدان برتر پاک و مینوی، بلکه موجوداتی مییابیم که از یکسو دارای جایگاهی خدایی هستند و همچون خداوند یگانه مورد ستایش قرار میگیرند و گاه



نیز کاملاً عینی و دارای زندگی و کنشهایی مشخص و وظایفی معین هستند. در یشت‌ها امشاسپندان مخلوقات اهورامزدا هستند و عملکرد ایشان کمک به او در هدایت جهان است.<sup>(۲۰)</sup> از آنان درخواست میشود؛ بگونه‌ی خاص ستایش و نیایش میشوند و بدلیل نذرهایی که برای آنان انجام میگیرد بر مسیرهای نور فرود می‌آیند.<sup>(۲۱)</sup> همچنین در هات‌های جدیدتر یسنا آنان موجوداتی جاودان و نادیدنی، حکمرانانی نیکو، معطیان خیر، جاودان و دارای دهش و نیکویی جاودانه هستند.<sup>(۲۲)</sup>

بطور خاص در خصوص بهمن میبینیم که در میان امشاسپندان در حالی که در بهشت سکنی دارند، در آنجا وهومنه، بر تخت طلا مینشیند.<sup>(۲۳)</sup> نگاهبانی از حیوانات به وی سپرده میشود. بهمن در میان سه امشاسپند نخستین قرار دارد که نرینه یا مذکر هستند و در جایگاهی در دست راست اهورامزدا مینشینند.<sup>(۲۴)</sup> همچنین در برخی از مواضع اوستای نو و بتبع آن در بازگفتها و گزارشهای پهلوی، بهمن واسطه فیض اهورامزدا بر زرتشت است که زرتشت از طریق او نزد هرمزد راه مییابد. دشمن خاص او «اکه‌منه» یا «اکومن» از دیوان بزرگ است.<sup>(۲۵)</sup> سرانجام نقش و کارکرد خاص فلسفی بهمن که عبارت است از صادر اول یا نخستین آفریده‌ی مزدا، اگرچه بیش از همه در متون دینی پهلوی بنحو آشکار و پررنگ مطرح و نمودار گشته است، اما ریشه‌ها و پیشینه‌های آن را باید در اوستای جدیدتر از گاهان جستجو نمود؛ چنانکه وی در یسنا پسر هرمزد خوانده شده<sup>(۲۶)</sup> و هرمزد از طریق او جهان را آفریده است.<sup>(۲۷)</sup>

در ادامه به معرفی ویژگیهای مشترک بهمن و سایر امشاسپندان میپردازیم و در گام بعدی به ویژگیهای بهمن یا صادر اول در اندیشه‌ی مزدایی خواهیم پرداخت.

### ویژگیهای مشترک بهمن و سایر امشاسپندان

۱۳

امشاسپندان بعنوان بارزترین صفات و فروزه‌های اهورامزدا و یا برترین آفریدگان خداوند در سامانه‌ی باورشناختی اندیشه‌ی مزدیسنا از ویژگیهای گوناگونی برخوردارند. از این میان پنج ویژگی بعنوان وجوه مشترک میان تمامی آنان مطرح است:

۱. همراهی و پیوند آنها با ذات خداوند بعنوان برجسته‌ترین صفات وی یا نزدیکترین مخلوقات پروردگار به ذات اقدس او.<sup>(۲۸)</sup>



۲. برتری و سروری آنها نسبت به سایر پدیده‌ها، مفاهیم و مخلوقات بعنوان ویژگی بارزی که حتی از نام و معانی لغوی آنها نیز آشکار است.<sup>(۲۹)</sup>

۳. همراهی همه یا اغلب امشاسپندان با یکدیگر و حضور آنها در یک سامانه نظام‌مند دارای کارکردهای حکمی، فلسفی، سیاسی، اجتماعی و ...<sup>(۳۰)</sup>

۴. تأکید و برجستگی لفظی و معنوی: این مورد از نتایج و لوازم دیگر ویژگیهای عمومی امشاسپندان بشمار میرود و دلیل ذکر آن نیز اهمیت فراوان موضوع امشاسپندان است که این اهمیت در یک متن معمولاً با انواع روشهای تأکید مانند تکرار، شرح و بسط معانی، استفاده از الفاظ مؤکد و ... نمایان میگردد. (ما این ویژگی را تنها در صورت وضوح و برجستگی بسیار و یا همراهی با ویژگیهای دیگر لحاظ کرده‌ایم).

۵. تعلق و پیوند با فضای فکری، فرهنگی و تمدنی ایران باستان: این ویژگی در سنجش با سایر ویژگیهای عمومی - بخصوص در پژوهشی که مفاهیم مربوط به اندیشه مزدایی را در متون غیرزرتشتی پیگیری و جستجو میکند - از اهمیت بیشتری برخوردار است. از همینرو ما ارزشی مضاعف (یعنی معادل دو امتیاز) را در ارزشگذاری کمی برای آن لحاظ کرده‌ایم.

### ویژگیهای اختصاصی امشاسپند بهمن

با مراجعه به متن *اوستا* و نیز آثار مربوط به باور مزدیسنا، تعداد پنج کارکرد و معنای خاص را برای امشاسپند بهمن بنحو استقراء برشمرده‌ایم که عبارتند از:

۱. صادر اول یا نخستین مخلوق<sup>(۳۱)</sup>
۲. خرد، اندیشه، علم و حکمت<sup>(۳۲)</sup>
۳. علم غیبی، راهنمایی الهی، دانش دینی<sup>(۳۳)</sup>
۴. همراهی عقل و نفس، (تنها امشاسپندی که مستقیماً با جانداران در پیوند است).<sup>(۳۴)</sup>
۵. داوری اعمال انسانها در رستاخیز.<sup>(۳۵)</sup>

### اشارات و نشانه‌های امشاسپند بهمن در آثار سهروردی

در این موضع به جستجوی ویژگیهای عمومی و اختصاصی فوق در مجموعه





مصنفات شیخ اشراق میپردازیم و هر موضع از متن را که از تمامی ویژگیهای عمومی و دست کم یکی از ویژگیهای اختصاصی امشاسپند بهمن و یا از ارزشی معادل با آن برخوردار باشد بعنوان یک نشانه ملحوظ نموده و سرانجام به تحلیل آنها میپردازیم.

ردیف	کتاب	مجله	شماره	صفحه	تاریخ
۱	الاب.اج.اد.اه.ای.ان.اح	۸	ج.۱: ۶۱-۶۶	۱۹	الاب.اج.اد.اه.ای.اح.۲
۲	الاب.اج.اد.اه.ای.اح	۷	ج.۱: ۷۶-۷۲	۲۰	الاب.اج.اد.اه.ای.ان.اح
۳	الاب.اج.اد.اه.ای.اح	۷	ج.۱: ۹۰-۹۲	۲۱	الاب.اج.اد.اه.ای.اح.اط
۴	الاب.اج.اد.اه.ای.ان.اح	۸	ج.۱: ۴۶۴-۴۶۶	۲۲	اج.اد.اه.ای.اح.۲
۵	الاج.اد.اه.ای.اح.۲	۸	ج.۲: ۹-۱۲	۳۳	اب.اج.اد.اه.ای.اح.۲
۶	الاب.اج.اد.اه.ای.اح	۷	ج.۲: ۱۳۵-۱۳۷	۲۴	الاب.اج.اد.اه.ای.اح.۲
۷	الاب.اج.اد.اه.ای.ان.اح.۲	۱۰	ج.۲: ۱۵۴-۱۵۷	۲۵	الاج.اد.اه.ای.ان.اح
۸	اج.اد.اه.ای.اح.۲	۷	ج.۲: ۲۰۴-۲۰۶	۲۶	الاج.اد.اه.ای.اح.۲
۹	الاب.اج.اد.اه.ای.اح.۲	۹	ج.۲: ۲۱۱-۲۱۴	۲۷	الاب.اج.اد.اه.ای.اح
۱۰	الاب.اج.اد.اه.ای.اح.۲	۹	ج.۲: ۲۲۳-۲۲۶	۲۸	الاب.اج.اد.اه.ای.اح
۱۱	الاب.اج.اد.اه.ای.اح	۷	ج.۲: ۲۲۷-۲۲۹	۲۹	الاب.اج.اد.اه.ای.ان.اح
۱۲	الاب.اج.اد.اه.ای.اح.اط	۸	ج.۲: ۳۲۶-۳۲۸	۳۰	الاب.اج.اد.اه.ای.اح
۱۳	الاب.اج.اد.اه.ای.اح	۷	ج.۲: ۲۴۰-۲۴۳	۳۱	الاب.اج.اد.اه.ای.ان.اح
۱۴	الاب.اج.اد.اه.ای.اح.۲	۹	ج.۲: ۲۴۴-۲۴۷	۳۲	الاب.اج.اد.اه.ای.ان.اح
۱۵	الاب.اج.اد.اه.ای.ان.اح	۸	ج.۲: ۲۴۸-۲۵۲	۳۳	الاب.اج.اد.اه.ای.ان.اح
۱۶	الاب.اج.اد.اه.ای.اح	۷	ج.۳: ۳۲-۳۷	۳۴	الاب.اج.اد.اه.ای.اح.اط
۱۷	الاب.اج.اد.اه.ای.اح.اط	۸	ج.۳: ۶۷	۳۵	الاب.اج.اد.اه.ای.اح
۱۵	الاب.اج.اد.اه.ای.اح	۷	ج.۳: ۷۰	۳۶	الاب.اج.اد.اه.ای.اح

### ۱. اشاره مستقیم به امشاسپند بهمن

در تمامی آثار سهوردی تنها یکبار بصراحت از امشاسپند بهمن یاد شده و آن مربوط به مبحث «صادر اول» است.

فثبت ان اول حاصل بنور الانوار واحد و هو نور الاقرب و النور العظیم و ربما



سماه بعض الفهلویه بهمن<sup>(۳۶)</sup>

پس ثابت شد که نخستین صادر از نورالانوار یکی است و آن نور اقرب و نور عظیم است که برخی از پهلویان آن را بهمن نامیده‌اند. حضور این امشاسپند نزد حکیم سهروردی، حضوری فلسفی و با نظر به بُعد هستی‌شناختی آن است. بهمن در اینجا یکی از عقول یا موجودات مجردی است که در حکمت اسلامی بعنوان «عقول طولیه» شناخته شده‌اند.

## ۲. نشانه‌های غیرمستقیم به امشاسپند بهمن

بر اساس روشی که پیش از این بطور مفصل معرفی گردید، در ادامه نشانه‌های غیرمستقیم بهمن را - که حاکی از احتمال حضور یا تأثیر آن امشاسپند در آثار سهروردی است- در قالب یک جدول ارائه خواهیم کرد.

## نشانه‌های غیرمستقیم امشاسپند بهمن در آثار سهروردی

### ۳. تحلیل بهمن در آثار سهروردی

۱. سهروردی بوضوح و با ذکر نام، از امشاسپند بهمن در مبحث مربوط به صادر اول در کتاب *حکمة الاشراق* نام برده است. از این نوع کاربرد اصطلاح بهمن میتوان به این نکته پی برد که اگرچه سهروردی به دوره اسلامی و آثار وی به فلسفه اسلامی تعلق دارد، لیکن نام بردن از امشاسپندان گویای آشنایی این فیلسوف ایران‌دوست مسلمان با ژرف‌ترین اندیشه‌ها و باورهای ایران باستان و نیز مبین اهمیت این اندیشه‌ها نزد اوست؛<sup>(۳۷)</sup> بویژه اگر خطر و دشواری کاربرد آشکار مظاهر فرهنگ ایران باستان و تظاهر به اینگونه وابستگیها و باورها در روزگار وی را بخوبی درک کنیم - امری که وی سرانجام جان بر سر وی نهاد - به اهمیت این عامل بیشتر پی خواهیم برد. ضمن اینکه چه بسا اندک بودن اشارات مستقیم به نام و کارکرد امشاسپندان بدلیل همین دشواریها و تنگ‌نظریهایی بوده که فرزادگانی همچون سهروردی را تهدید و تحدید مینموده است.

۲. هرچند تنها یکبار از بهمن بعنوان صادر اول سخن رفته است، اما از آنجا که مفهوم صادر اول در عالم خارج تنها دارای یک مصداق است، میتوان بدرستی نتیجه گرفت که همان یک مصداق در نظر سهروردی، مصداق حقیقی مفهوم و اصطلاح



بهمن نیز هست. بنابراین به تعداد دفعاتی که سهروردی از صادر اول سخن گفته، در واقع به امشاسپند بهمن نیز نظر داشته است.

۳. اگر بخواهیم ویژگیهایی را که در خصوص امشاسپندان برشمردیم، در این موضع نیز بررسی کنیم، خواهیم دید که ذکر بهمن در این موضع اولاً بعنوان نزدیکترین موجود به خداوند واجد ویژگی «ا»، بعنوان برترین موجود نسبت به تمامی ممکنات دارای ویژگی «ب»، بدلیل تأکید سهروردی و اقامه برهان برای اثبات صادر اول نیز به دلیل اهمیتی که از حکمای پارس در خصوص این امشاسپند نقل میکند دارای ویژگی «د» و بالأخره بدلیل تعلق داشتن مفهوم و اصطلاح بهمن به فرزاندگی ایران باستان واجد ویژگی «۲» محسوب میشود. بنابراین تنها ویژگی عمومی که در این موضع بچشم نمیخورد، «ج» یعنی همراهی با دیگر امشاسپندان است. از میان ویژگیهای اختصاصی نیز همراهی دو ویژگی «ا» یعنی مفهوم علم و حکمت و «ز» یعنی مفهوم صادر اول قابل مشاهده است.

۴. از جدول نشانه‌های غیرمستقیم امشاسپند بهمن در آثار سهروردی درمیابیم که براساس ملاکهایی که برای مشخص کردن این دسته از نشانه‌ها تعریف کرده‌ایم، تعداد ۳۶ نشانه شمارش شده است.

۵. از میان تمامی نشانه‌های ذکر شده تنها سه مورد، یعنی حدود ۸٪ فاقد ویژگی پیوند و همراهی با خداوند هستند و ۹۲٪ موارد از این ویژگی برخوردارند. این امر گویای پیوند وثیق میان معانی و کارکردهای مختلف عقل و اندیشه با مفهوم خداوند است و جایگاه حکمت اشراقی را بعنوان یکی از الهیترین مکاتب عقلی بیش از پیش آشکار میکند.

۱۷ ۶. دومین ویژگی عمومی امشاسپندان یعنی ویژگی برتر بودن نسبت به سایر مظاهر خلقت در سی مورد از نشانه‌ها بچشم میخورد و حدود ۱۷٪ موارد فاقد این ویژگی بشمار میروند.

۷. بیشترین فراوانی در میان همه ویژگیهای عمومی و اختصاصی بهمن به ویژگی پیوند با سایر امشاسپندان تعلق دارد؛ چرا که تمامی نشانه‌های امشاسپند بهمن دارای این ویژگی بشمار میروند. این نکته بیان‌کننده همراهی تمامی نشانه‌های



امشاسپندان با یکدیگر و وجود سامان‌مندی در میان آنهاست و شاید بتوان این یافته را دلیلی در جهت تقویت و تأیید طرح محوری این پژوهش مبنی بر توجه ویژه به معانی و کارکردهای امشاسپندان تلقی نمود.

۸. ویژگی چهارم از ویژگیهای عمومی، تنها در دو مورد دیده نمیشود. بنابراین حدود ۹۴٪ از نشانه‌های بهمن واجد ویژگی تأکید و برجسته‌سازی هستند که این مایه تأکید گویای پررنگ بودن عنصر استدلال و فراوانی بالای آن در یک متن فلسفی است. زیرا - چنانکه پیش از این اشاره شد - هرگونه بحث، تفصیل، استدلال و هر روش دیگری را که مفید تأکید لفظی یا معنوی باشد، در ارتباط با این ویژگی لحاظ کرده‌ایم.

۹. مهمترین خصوصیت همه امشاسپندان، ویژگی ارتباط و پیوند با فضای فکری و فرهنگی ایران باستان است. این ویژگی در دوازده مورد، یعنی بیش از ۳۳٪ از نشانه‌های امشاسپند بهمن قابل مشاهده است که در مقایسه با سایر ویژگیهای عمومی بسامد پایینی محسوب میشود.

دلیل کم‌رنگ بودن این ویژگی در نشانه‌های مورد نظر این است که فلسفه سهروردی پیش و بیش از هر چیز به مجموعه‌یی به نام فلسفه اسلامی تعلق دارد و سایر ویژگیها و اقتباسات آن بمنزله امور فرعی و حاشیه‌یی محسوب میگردد. این فلسفه اگر در جایگاه راستین خود مورد پژوهش و بررسی قرار گیرد، همانند دریایی است که جویها و رودهای چندی به آن می‌پیوندند که یکی از آنها همانا حکمت خسروانی و فلسفه باستانی ایران است.

۱۰. نخستین ویژگی از ویژگیهای اختصاصی امشاسپند بهمن، مفهوم خرد، دانش و حکمت است. این ویژگی بطور صد درصد در تمامی نشانه‌های آن حضور دارد. ۱۸ دلیل این امر نیز آن است که در متنی فلسفی همچون آثار سهروردی، محوریت‌ترین مفهوم - که همانند روح در تمامی پیکره متن حاضر است - به مفهوم خرد و حکمت است و از اینرو این مایه وفور مفهوم عقل و عقلانیت در چنین متنی به هیچ روی موجب شگفتی نیست.

۱۱. مفاهیمی همچون هدایت معنوی، نبوت، علوم غیبی و لدنی و ... که به دومین ویژگی بهمن باز میگردد، در مجموعه نشانه‌های استوار بیش از ۹۷٪ موارد را دربرمیگیرد و تنها کمتر از ۳٪ موارد فاقد این ویژگی بشمار میروند. با توجه به این میزان استفاده از مفهوم هدایت و رهنمونی الهی که با سایر ویژگیها و نشانه‌های امشاسپندان جمع آمده است، میتوان بیش از پیش به فضای معنوی حکمت اشراق و نیز ضرورت هدایت عقل و اندیشه آدمی توسط خداوند و نیروهای مینوی پی برد.

۱۲. معنی دیگر بهمن که عبارت است از صادر اول یا نخستین مخلوق در یازده مورد یعنی در کمتر از ۳۳٪ از نشانه‌های غیرمستقیم این امشاسپند تکرار شده است. دلیل اندک بودن این ویژگی در سنجش با سایر ویژگیها این است که بحث صادر اول از مباحث خاص فلسفی است و از عمومیت و گستردگی موارد دیگر برخوردار نیست. لیکن با توجه به اینکه سهروردی در یک موضع از کتاب *حکمة الاشراق* بصراحت بیان کرده است که صادر اول یا نخستین عضو از سلسله طولی عقول همان امشاسپند بهمن است - و تنها موردی که با ذکر نام از بهمن یاد کرده همین مورد است - میتوان به اهمیت این ویژگی پی برد. به باور ما، اندک بودن بسامد این معنی در میان نشانه‌های امشاسپندان به هیچ روی بمعنی کم‌اهمیت بودن آن نیست.

۱۳. هرگونه همراهی عقل و نفس، جان و خرد و اشاره به جانداران نیکو و سودمند، ویژگی اختصاصی دیگر برای امشاسپند بهمن است. این ویژگی در ۳۳ مورد از نشانه‌ها یعنی حدود ۹۲٪ موارد تکرار شده است و تنها حدود ۸٪ نشانه‌های استوار فاقد این ویژگی بشمار میروند. دلیل فزونی این کاربرد را میتوان پیوستگی و همراهی فراوان دو مفهوم عقل و نفس در مکتب اشراق سهروردی دانست.

۱۹

۱۴. آخرین خصوصیت امشاسپند بهمن را داوری اعمال انسانها در روز واپسین دانستیم. این ویژگی در چهار مورد از نشانه‌ها بکار رفته و حدود ۱۱٪ موارد را شامل شده است. علت پایین بودن بسامد این ویژگی آن است که پرداختن به ثواب و عقاب رستاخیز بیش از آنکه مناسب طرح در متون فلسفی و عرفانی باشد با متون و رسائل کلامی متناسب است.



## نتیجه گیری

شیخ اشراق بصراحت و با ذکر نام از امشاسپند بهمن بعنوان صادر اول در حکمة الاشراق یاد کرده است. بر این اساس آنچه وی درباره صادر اول در آثار خویش آورده، بر امشاسپند بهمن صدق میکند. ویژگیهایی که پیرامون امشاسپند بهمن بدست می آید شامل خصوصیات از ایندست میشود: نخستین آفریده، علم غیبی، راهنمایی الهی، دانش دینی، خرد، اندیشه، علم و حکمت، همراهی خرد با جان، سرپرستی جانداران سودمند، داوری اعمال در رستاخیز.

در مجموعه نشانه‌های بهمن در آثار سهروردی از میان ویژگیهای امشاسپند بهمن بیشترین سهم بطور مشترک از آن ویژگی «ا ج» یعنی حضور در سامانه امشاسپندان و «ا ه» یعنی خرد، دانش و حکمت با بسامد ۳۶ بار تکرار بوده است. پس از این دو به ترتیب ویژگیهای «ا و» یا هدایت معنوی با ۳۵ بار تکرار، «ا د» یا تأکید و برجسته‌سازی ۳۴ بار، «ا ا» یا پیوند و همراهی با مفهوم خداوند و نیز «ا ح» یا همراهی عقل و نفس مشترکاً با ۳۳ بار، «ا ب» یا برتر بودن نسبت به سایر مظاهر خلقت با ۳۰ بار، «ا ز» یا پیوند با فضای فرهنگی ایران باستان با ۱۲ بار و سرانجام «ا ز» یا مفهوم صادر اول با ۱۱ بار تکرار در رده‌های بعدی قرار میگیرند. بنابراین کمترین بسامد در میان ویژگیها نخست از آن مفهوم داوری اخروی و سپس صادر اول است؛ همان مفهومی که سهروردی در تنها موردی که از امشاسپند بهمن نام میبرد به آن ویژگی نظر دارد. بالاترین ارزش بر حسب میزان بهره‌مندی از ویژگیها در میان نشانه‌های بهمن متعلق به نشانه شماره ۷ مأخوذ از جلد دوم، مبحث «فی قاعدة الامکان الاشرف علی ما هو سنة الاشراق» صفحات ۱۵۴-۱۵۷ است که ضمن بحث از افاضه انوار و حکمتها از نورالانوار به مراتب عقول و نفوس و علوم الهی - که انسانهای کامل آن را کسب و ادراک میکنند - از بزرگان حکمت خسروانی مانند زرتشت و کیخسرو نام میبرد که انوار قاهره عرضه بر آنان مکشوف بوده است. از این امر میتوان از یکسو دقت و صحت نسبی دلالت نشانه‌های غیرمستقیم این امشاسپند و از سوی دیگر، نزدیکی مفاهیم مربوط به امشاسپند بهمن با آبشخورهای فرهنگ ایران باستان و باور مزدایی را نتیجه گرفت.



## پی نوشتها:

۱. کربن، هانری، آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی، ص ۲۱۴.
۲. طباطبایی، سیدجواد، درآمادی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، ص ۱۶۱ و ۱۶۲.
۳. سهروردی، شهاب‌الدین یحیی، مجموعه مصنفات شیخ‌اشراق، تصحیح نجفقلی حبیبی و هانری کربن، ج ۱، ص ۵۰۰ - ۵۰۴؛ ج ۳، ص ۱۸۵ - ۱۸۸؛ ۲۹۸ - ۳۰۰.
۴. همان، ج ۲، ص ۱۲۸، ۱۵۷؛ ج ۳، ص ۳۱۹.
۵. همان، ج ۲، ص ۱۵۰؛ ج ۳، ص ۱۷۷ - ۱۸۰.
۶. همان، ج ۱، ص ۵۰۴.
۷. همان، ج ۱، ص ۵۰۰ - ۵۰۴.
۸. بهار، مهرداد، پژوهشی در اساطیر ایران، ص ۹۴؛ شیر خدایی، ملیحه؛ قنبری، بخش علی، «نام‌های اهورامزدا در اوستا»، پژوهشنامه ادیان، ش ۱۲، ص ۸۶؛ نقل از: Boyce, M., *A History of Zoroastrianism*, vol.1, pp. 2, 69-71.
۹. اورشیدی؛ جهانگیر، دانشنامه مزدیسنا، ۱۱۹، ۲۱۲، ۳۰۲، ۳۱۶ و ۴۴۸. همچنین در خصوص شکل صحیح آوانویسی واژه‌های پهلوی و اوستایی ر.ک: مکنزی، دیوید نیل، فرهنگ کوچک زبان پهلوی، ترجمه مهشید میرفخرایی، See: Bartholomae, *Altiranisches Wörterbuch*.
۱۰. اوشیدری، جهانگیر، دانشنامه مزدیسنا، ص ۱۱۹.
۱۱. زرن، اُرسی، تعالیم مغان، ترجمه فریدون بدره‌ای، ص ۸۳ و ۸۴.
۱۲. یسنا، هات ۳۹، ۴۰ و ۴۲.
۱۳. بويس، مری، زرتشتیان، باورها و آداب دینی آنها، ترجمه عسکر بهرامی، ص ۲۳۸.
۱۴. مهر، فرهنگ، دیدی نواز دینی کهن؛ فلسفه زرتشت، ص ۱۴ و ۱۵.
۱۵. سخایی، مژگان، «آموزه توحید در دین زرتشتی»، حکمت سینوی، ش ۲۲، ص ۱۴۱.
۱۶. یسنا؛ ۳۱.
۱۷. یسنا، ۳۳: ۸.
۱۸. یسنا، ۳۳: ۱۱.
۱۹. دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ترجمه آرام و ع. پاشایی و امیرحسین آریان‌پور، ج ۱، ص ۵۳۹؛ دیدی نواز دینی کهن؛ فلسفه زرتشت، ص ۲۲.
۲۰. یشتها، هرمزدیشت: ۲۵؛ آبان‌یشت: ۱۵-۱۶؛ خردادیشت: ۱؛ وندیداد، فرگرد ۹: ۹.
۲۱. یشتها، اردیبهشت‌یشت: ۸۲؛ فروردین‌یشت: ۸۴.
۲۲. یسنا، ۲۴: ۹.
۲۳. وندیداد، فرگرد ۱۸: ۱۴.
۲۴. «آموزه توحید در دین زرتشتی»، حکمت سینوی، ش ۲۲، ص ۱۴۳ - ۱۴۵.
۲۵. یشتها، هرمزدیشت: ۴۶؛ پژوهشی در اساطیر ایران، ص ۷۵.

۲۶. یسنا، هات ۳۱: ۸، ۴۷: ۳.
۲۷. ویسپرد، کرده ۱۲: ۴.
۲۸. دیدی نواز دینی کهن، ص ۱۷-۲۳؛ زرتشتیان، باورها و آداب دینی آنها، ص ۴۷.
۲۹. بویس، مری، تاریخ کیش زرتشت، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، ص ۴۶؛ دانشنامه مزدیسنا، ص ۱۱۹، ۲۱۲، ۳۱۲، ۳۱۶ و ۴۴۸.
۳۰. یسنا، ۲: ۴۷؛ بهار، مهرداد، بندهش، ص ۴۸؛ دیدی نو از دینی کهن، ص ۲۳، «آموزه توحید در دین زرتشتی»، حکمت سینوی، ش ۲۲، ص ۴۰؛ زرتشتیان، باورها و آداب دینی آنها، ص ۴۵-۴۷؛ سرکاراتی، بهمن، «بنیان اساطیری حماسه ملی ایران»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، ش ۱۲۵، ص ۲۴.
۳۱. یسنا، ۸: ۳۱ و ۴: ۴۸؛ ویسپرد، ۴: ۱۲؛ بندهش، ص ۴۸ و ۴۹، ۱۱۰؛ پژوهشی در اساطیر ایران، ص ۷۵؛ هینلز، جان، شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، ص ۷۱.
۳۲. دانشنامه مزدیسنا: ۱۱۹؛ دوست‌خواه، جلیل، گزارش و پژوهش اوستا، ص ۷۰؛ دیدی نو از دینی کهن، ص ۱۴-۱۵؛ «آموزه توحید در دین زرتشتی»، حکمت سینوی، ش ۲۲، ص ۱۴۱؛ ثاقب‌فر، مرتضی، شاهنامه فردوسی و فلسفه تاریخ ایران، ص ۱۲۰؛ شناخت اساطیر ایران، ص ۷۱.
۳۳. یشتها، ۱۹: ۴۶؛ بندهش، ص ۱۱۰؛ پژوهشی در اساطیر ایران، ص ۷۵؛ شناخت اساطیر ایران، ص ۷۱؛ زرتشتیان، باورها و آداب دینی آنها، ص ۴۷؛ شریف، میان محمد، تاریخ فلسفه در اسلام، ج ۲، ص ۱۷۳.
۳۴. یسنا، ۶: ۳۲ و ۸: ۴۸؛ ونیداد، ۳۱: ۱۹؛ بندهش، ص ۱۱۰؛ شناخت اساطیر ایران، ص ۷.
۳۵. یسنا، ۶: ۳۲ و ۸: ۴۸؛ ونیداد، ۱۹: ۳۱؛ بندهش، ص ۱۱۰؛ پژوهشی در اساطیر ایران، ص ۷۲-۷۵؛ شناخت اساطیر ایران، ص ۷۱.
۳۶. مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۲، ص ۱۲۸.
۳۷. آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی، ص ۳۵۵.

## منابع فارسی:

۱. آموزگار، ژاله؛ تفضلی، احمد، اسطوره زندگی زردشت، تهران، نشر چشمه، ۱۳۷۴.
۲. \_\_\_\_\_، تاریخ اساطیر ایران، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۵.
۳. اعتماد مقدم، علیقلی، آیین و رسمهای ایرانیان باستان بر بنیاد شاهنامه فردوسی، تهران، اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، ۲۵۳۵.
۴. اکبری مفاخر، آرش، «هستی‌شناسی دیوان در حماسه‌های ملی بر پایه شاهنامه فردوسی»، کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی، ش ۲۱، ۱۳۸۹.
۵. امام، سید محمدکاظم، فلسفه در ایران باستان و مبانی حکمة الاشراق و افکار و آثار و تاریخچه زندگانی سهروردی، تهران، بنیاد نیکوکاری نوریانی، ۱۳۵۳.
۶. اوشیدری، جهانگیر، دانشنامه مزدیسنا، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۱.
۷. ایرانی، دین‌شاه، فلسفه ایران باستان، تهران، انتشارات فروهر، چ ۵، ۱۳۶۱.





۸. بویس، مری، *تاریخ کیش زرتشت*، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران، انتشارات طوس، ج ۲، ۱۳۷۶.
۹. \_\_\_\_\_، *زرتشتیان، باورها و آداب دینی آنها*، ویراست دوم، ترجمه عسکر بهرامی، تهران، انتشارات ققنوس، ج ۹، ۱۳۸۶.
۱۰. بهار، مهرداد، *ادیان آسیایی*، تهران، نشر چشمه، ج ۲، ۱۳۷۵.
۱۱. \_\_\_\_\_، *جستاری چند در فرهنگ ایران*، تهران، انتشارات فکر روز، ج ۳، ۱۳۷۶.
۱۲. \_\_\_\_\_، *بندهش*، تهران، انتشارات طوس، ج ۲، ۱۳۸۰.
۱۳. \_\_\_\_\_، *پژوهشی در اساطیر ایران*، تهران، انتشارات آگاه، ج ۶، ۱۳۸۶.
۱۴. بیرونی، ابوریحان، *آثار الباقیه*، ترجمه اکبر داناسرشت صیرفی، تهران، کتابخانه خیام، ۱۳۵۲.
۱۵. پانوسی، استفان، *تأثیر فرهنگ و جهان‌بینی ایرانی بر افلاطون*، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۱.
۱۶. پورداد، ابراهیم، *گاتاها*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۴.
۱۷. \_\_\_\_\_، *یشت‌ها*، بکوشش ابراهیم فره‌وش، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱، ج ۳، ۱۳۵۶.
۱۸. ثاقب‌فر، مرتضی، *شاهنامه فردوسی و فلسفه تاریخ ایران*، تهران، انتشارات معین، ۱۳۷۷.
۱۹. خورشیدیان، اردشیر، *جهان‌بینی اشو زرتشت، پیام‌آور ایرانی*، تهران، انتشارات فروهر، ج ۱، ۱۳۸۳.
۲۰. دورانت، ویل، *تاریخ تمدن*، ترجمه احمد آرام و ع. پاشایی و امیر حسین آریان‌پور، ج ۱، بی‌تا.
۲۱. دوست‌خواه، جلیل، *گزارش و پژوهش اوستا*، تهران، انتشارات مروارید، ج ۱۰، ۱۳۸۵.
۲۲. زور، اُرسی، *تعالیم مغان*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، انتشارات توس، ۱۳۷۷.
۲۳. ساموئل نیبرگ، هنریک، *دین‌های ایران باستان*، ترجمه سیف‌الدین نجم‌آبادی، تهران، مرکز ایرانی مطالعه فرهنگها، ۱۳۵۵.
۲۴. سجادی، سید جعفر، *شهاب‌الدین سهروردی و سیری در فلسفه اشراق*، تهران، انتشارات فلسفه، ۱۳۶۳.
۲۵. سخایی، مژگان، «آموزه توحید در دین زرتشتی»، *نشریه حکمت سینوی*، ش ۲۳، ۱۳۸۲.
۲۶. سرکاراتی، بهمن، «بنیان اساطیری حماسه ملی ایران»، *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز*، ش ۱۲، بهار ۱۳۵۷.
۲۷. سهروردی، شهاب‌الدین یحیی، *مجموعه مصنفات شیخ اشراق*، تصحیح نجفقلی حبیبی و هانری کرین، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ج ۱-۴، ۱۳۷۲.
۲۸. شریف، میان محمد، *تاریخ فلسفه در اسلام*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ج ۲، ۱۳۶۵.
۲۹. شیر خدایی، ملیحه؛ قنبری، بخش‌علی، «نام‌های اهورامزدا در اوستا»، *نشریه پژوهش‌نامه ادیان*، ش ۱۲، پاییز ۱۳۹۱.
۳۰. طباطبائی، سید جواد، *درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸.

۳۱. عالیخانی، بابک، بررسی لطایف عرفانی در نصوص عتیق اوستایی، تهران، انتشارات هرمس، ۱۳۷۹.
۳۲. \_\_\_\_\_، «مسالك سبعة، حکمة الاشراف سهروردی»، نشریه جاویدان خرد، ش ۱۰، ۱۳۸۸.
۳۳. \_\_\_\_\_، «هورقلیا در نزد سهروردی»، نشریه جاویدان خرد، ش ۱۵، تابستان ۱۳۸۹.
۳۴. عقیقی، رحیم، اساطیر و فرهنگ ایرانی در نوشته‌های پهلوی، تهران، انتشارات توس، ۱۳۷۴.
۳۵. غفاری، محمدخالد، فرهنگ اصطلاحات آثار شیخ اشراق شهاب‌الدین سهروردی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۰.
۳۶. قادری، حاتم؛ رستم‌وندی، تقی، «اندیشه ایران‌شهری، مختصات و مؤلفه‌های مفهومی»، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی، س ۱۶، ش ۵۹، ۱۳۸۵.
۳۷. کرین، هانری، آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی، ترجمه باقر پرهام، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۷۱.
۳۸. \_\_\_\_\_، تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه جواد طباطبایی، چاپ کویر، انجمن ایران‌شناسی فرانسه، چ ۳، ۱۳۸۰.
۳۹. مجتبابی، فتح‌الله، شهر زیبایی افلاطون و شاهمی آرمانی در ایران باستان، تهران، انجمن فرهنگ ایران باستان، ۱۳۵۲.
۴۰. مزدپور، کتابون، شایست ناشایست، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۹.
۴۱. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیرکبیر، چ ۶، ۱۳۶۳.
۴۲. \_\_\_\_\_، مزدیسنا و ادب پارسی، بکوشش مهدخت معین، تهران، دانشگاه تهران، چ ۴، ۱۳۸۴.
۴۳. مکنزی، دیویدنیل، فرهنگ کوچک زبان پهلوی، ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چ ۱، ۱۳۷۳.
۴۴. مهر، فرهنگ، دیدی نواز دینی کهن، فلسفه زرتشت، تهران، انتشارات جامی، چ ۶، ۱۳۸۴.
۴۵. وحیدی، حسین، «تداوم فلسفه باستانی ایران در دوران اسلامی»، نشریه کاوه (مونخ)، ش ۶۸، تابستان ۱۳۵۷.
۴۶. هینلز، جان، شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران، نشر چشمه، چ ۳، ۱۳۷۳.

#### منبع انگلیسی:

1. Bartholomae, Christian, *Altiranisches Wörterbuch*, Berlin, 1961.

۲۴



سال نهم، شماره سوم  
زمستان ۱۳۹۷